



Factors Affecting Formation of Spouse Selection Criteria among Educated Young People In Ilam | A Grounded Theory

Behina Akbari ¹ | Kiyomarth Farahbakhsh ² | Ebrahim Naimi ³

Abstract

The aim of the current study was to present a grounded theory based on the factors affecting formation of spouse selection criteria. The study was conducted using a qualitative approach. Participants in the study included 24 young people seeking marriage in Ilam city who had referred to a premarital counseling center in 2020. These individuals were selected through purposive sampling method. Data were collected using semi-structured interviews. To analyze the data, the three-stage coding and classification method of grounded theory (Strauss and Corbin) were utilized. The results of the study showed that the categories self-concept and individual values as causal conditions, cultural factors, familial factors, and economic conditions of society as contextual conditions, media, marital experiences of significant others, direct and indirect personal experiences in social interactions, one's social status and job requirements as intervening conditions, consulting with experienced people, receiving counseling and psychological services, and studying about psychology and counseling as strategies, and self-knowledge and awareness of the factors leading to successful marriage were identified as consequences of this model. Given the multiplicity and breadth of categories affecting the formation of the criteria, planners and policymakers in the field should provide the necessary facilities for holding educational programs and providing counseling services so as to pave the way for increasing the awareness and insight of young people in order to improve the quality of marriage.

Keywords: Criteria For Choosing Spouse, Spouse Selection Criteria, Choosing Spouse, Grounded Theory.

DOR: 20.1001.1.26454955.1401.17.60.3.6

1. Senior Expert In Family Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran
2. Corresponding Author: Associate Professor, Specialized doctorate in counseling, Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. Farahbakhsh@atu.ac.ir
3. Assistant Professor, Specialized doctorate in counseling, Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر در جوانان تحصیل کرده شهر ایلام؛ یک نظریه زمینه‌ای^۱

بهینا اکبری^۲ | کیومرث فرحخش^۳ | ابراهیم نعیمی^۴

۶۰

سال هفدهم
پاییز ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۰/۰۷/۲۴

صص: ۱۰۷-۸۳

شاپا چاپی: ۲۶۴۵-۴۹۵۵
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۶۹



چکیده

مطالعه حاضر با هدف ارائه یک نظریه زمینه‌ای در رابطه با عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر انجام گرفته است. رویکرد این مطالعه کیفی و مشارکت‌کنندگان در تحقیق را ۲۴ نفر از جوانان در شرف ازدواج شهر ایلام تشکیل می‌دادند که در سال ۱۳۹۸ به مرکز مشاوره پیش از ازدواج مراجعه کرده بودند. این افراد به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شدند. جهت تحلیل داده‌ها از شیوه کدگذاری و طبقه‌بندی سه مرحله‌ای نظریه زمینه‌ای اشتراوس و کوربین استفاده گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که مقولات خودانگاره و ارزش‌های فردی به‌عنوان شرایط علی، عوامل فرهنگی، عوامل خانوادگی، شرایط اقتصادی جامعه به‌عنوان شرایط زمینه‌ای، رسانه‌ها، تجارب ازدواج دیگران، تجارب فردی مستقیم و غیرمستقیم در تعاملات اجتماعی، موقعیت اجتماعی خود و اقتضانات شغلی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر، کسب مشورت از افراد باتجربه، بهره‌گیری از خدمات مشاوره و روانشناسی، مطالعه در زمینه روانشناسی و مشاوره به‌عنوان راهبردها و خودشناسی و آگاهی از عوامل سبب‌ساز یک ازدواج موفق نیز به‌عنوان پیامد این الگوی پارادایمی مشخص گردید. با توجه به تعدد و گستردگی مقولات تأثیرگذار بر شکل‌گیری ملاک‌ها، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران این حوزه می‌بایست، تسهیلات لازم را برای برگزاری برنامه‌های آموزشی و ارائه خدمات مشاوره‌ای فراهم نمایند تا زمینه افزایش آگاهی و بینش جوانان به‌منظور ارتقای کیفیت ازدواج فراهم آید.

کلیدواژه‌ها: ملاک‌های همسرگزینی؛ ملاک‌های انتخاب همسر؛ انتخاب همسر؛ نظریه زمینه‌ای.

DOR: 20.1001.1.26454955.1401.17.60.3.6

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

۲. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. نویسنده مسئول: دانشیار، دکتری تخصصی مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Farahbakhsh@atu.ac.ir

۴. استادیار، دکتری تخصصی مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

خانواده به‌عنوان اولین نهاد اجتماعی و اساس و بنیان هر جامعه، دارای اهمیت قابل‌توجهی است. نقطه آغاز و سنگ‌بنای تشکیل خانواده، ازدواج است. ازدواج رابطه‌ای نزدیک و قراردادی طولانی‌مدت میان یک مرد و زن است که آینده و خوشبختی آنان و فرزندانشان بر این اساس پایه‌ریزی می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۹۷). انسان‌ها به دلایل متفاوتی ازدواج کرده و خانواده تشکیل می‌دهند اما نیاز به برقراری رابطه پایدار و صمیمی از مهم‌ترین دلایلی است که سرانجام باعث می‌شود هر فردی به سمت ازدواج و انتخاب شریک زندگی سوق پیدا کند؛ زیرا انسان بنا بر فطرت و ماهیت وجودی و نیازهای غریزی خویش، همواره از فردگرایی گریزان بوده و ازدواج را می‌توان پاسخی به‌منظور رفع این نیاز فطری دانست (فولادی، ۱۳۹۳). به‌طورکلی، بقای نسل و پرورش فرزندان، دستیابی به عالی‌ترین سطح صمیمیت، ارتباط گرم و دوجانبه عاطفی و جنسی، تقسیم کار و همراهی در طول زندگی در شمار اساسی‌ترین کارکردهای ازدواج می‌باشد (خدابخشی کولایی و همکاران، ۱۳۹۹؛ داودی و همکاران، ۱۳۹۸). تحقیقات نشان می‌دهند که ازدواج دارای رابطه‌ای مثبت با رضایت‌مندی بیشتر از زندگی است (گراور و هلیول، ۲۰۱۹؛ کلمیجن، ۲۰۱۷).

این رابطه درعین حال که می‌تواند صمیمانه‌ترین و راحت‌ترین رابطه ممکن باشد، می‌تواند شدیدترین صدمات ممکن را به اعضا وارد کند، در صورتی که ازدواج ناموفق باشد می‌تواند به توقف رشد شخصی و سرگردانی منجر گردد (نظری، ۱۳۹۸؛ گودرزی، ۱۳۹۸). امروزه پدیده طلاق به دلیل روند رو به افزایش آن در بین جوانان تبدیل به یک مسئله اجتماعی شده است. بررسی وضعیت طلاق در کشور نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸، نسبت طلاق به ازدواج ۳۳ درصد بوده، به‌بیان‌دیگر به ازای هر ۱۰۰ ازدواج تقریباً ۳۳ مورد طلاق ثبت شده است (سازمان ثبت‌احوال کشور، ۱۳۹۸). البته طلاق به‌تنهایی نمی‌تواند شاخص ازدواج ناموفق باشد؛ زیرا طلاق‌های عاطفی نیز از مشکلات برخی زوجین می‌باشد (خدابخشی کولایی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ اما برخلاف طلاق رسمی، در زمینه طلاق عاطفی به‌عنوان یکی از مسائل اجتماعی قابل‌توجه، آمار دقیقی در دسترس

1. Grover & Helliwell
2. Kalmijn

نمی‌باشد. در خصوص این آمارها می‌توان دلایل متعدد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی و فردی را بیان نمود که نداشتن آمادگی و آگاهی لازم برای انتخاب همسر و ازدواج، عدم بلوغ فکری، شناختی و عاطفی کافی برای ازدواج، گزینش ملاک‌های نادرست به‌منظور انتخاب همسر، مشکلات روانی، شخصیتی و جسمانی، ضعف در مهارت‌های ارتباطی و زناشویی، برآورده نشدن نیازها و انتظارات، نداشتن مهارت حل تعارض و مسئله، آموزش‌های ناکافی در مراحل قبل، حین و بعد از ازدواج، عدم تفاهم، مشکلات مالی، تفاوت‌های فرهنگی و طبقاتی، دخالت اطرافیان، اعتیاد و خیانت از آن جمله می‌باشند؛ بنابراین، وجود مجموعه‌ای از آگاهی‌ها جهت ارتقای کیفیت ازدواج و تشکیل و تحکیم خانواده الزامی است و اقدامات تحقیقاتی و اجرایی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

اولین مرحله در ازدواج، انتخاب همسر است که یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی هر فرد می‌باشد (فاتحی و همکاران، ۱۳۹۸؛ ثنایی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ زیرا بخشی از موفقیت ازدواج به انتخاب درست همسر بستگی دارد (بویس، وود و فرگوسن^۱، ۲۰۱۶) و تصمیمی است که تمام جنبه‌های زندگی یک فرد را تحت تأثیر قرار خواهد داد که این تأثیرگذاری می‌تواند در جهت مثبت یا منفی باشد (اولسون و همکاران^۲، ۱۹۹۹). به همین دلیل می‌بایست به ملاک‌های انتخاب همسر توجه شود (ثنایی و همکاران، ۱۳۹۶). شناخت ملاک‌های انتخاب همسر و توجه به آن‌ها باعث می‌شود که افراد چشم‌انداز امیدبخشی از آینده خود ترسیم کنند. انسان در هر انتخاب، خواسته یا ناخواسته، ملاک‌هایی را مبنا قرار می‌دهد (جبرائیلی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ اما هر میزان ملاک‌های افراد برای انتخاب همسر واقع‌بینانه‌تر باشند، ازدواج موفق‌تری خواهند داشت (جان‌بزرگی، ۱۳۹۷). پژوهش‌های متعددی درباره ملاک‌های همسرگزینی انجام شده‌اند. برای مثال، نتایج پژوهش تاشان و همکاران^۳ (۲۰۱۷) که بر روی ۲۳۸۳ دانشجو دختر و پسر یک دانشگاه دولتی در ترکیه انجام شد، حاکی از آن بود که برای دختران شخصیت و درآمد و برای پسران داشتن یک هویت مذهبی مشابه ملاکی مهم به‌منظور انتخاب همسر می‌باشد. نتایج پژوهش

1. Boyce et al
2. Olson et al
3. Tashan et al

شوارتز و هسبراوک^۱ (۲۰۱۲) که بر روی ۲۱۲۴۵ مرد و زن آلمانی انجام شد نشان‌دهنده وجود تفاوت‌های جنسیتی در ملاک‌های انتخاب همسر بود، بدین معنی که زنان خواهان مردی با وضعیت بالای اجتماعی و اقتصادی و مردان نیز خواهان زنی با جذابیت جسمانی بالا بودند. نتایج پژوهش ملیکی^۲ (۲۰۰۹) که بر روی ۱۴۲۰ (۹۰۷ پسر، ۵۱۲ دختر) دانشجوی یک دانشگاه در منطقه جنوبی نیجریه انجام شد، حاکی از آن بود که دانشجویان ویژگی‌های شخصیتی را مهم‌ترین ملاک در انتخاب همسر می‌دانند؛ همچنین نتایج پژوهش گریتمر^۳ (۲۰۰۷) که فراتحلیلی از پنج مطالعه انجام شده در خصوص ملاک‌های همسرگزینی زنان و مردان بود، نشان داد که ترجیح مردان انتخاب همسری با پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر از خودشان و ترجیح زنان نیز انتخاب همسری با پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتر از خودشان می‌باشد. به‌علاوه نتایج پژوهش صنعتی شرقی و رستم‌زاده (۱۳۹۵) نیز که بر روی نه زن و شش مرد ۲۵ تا ۴۰ ساله در مشهد انجام شد نشان داد که اولویت‌های همسرگزینی افراد شامل ویژگی‌های جسمی و ظاهری، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری، تناسب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، داشتن شناخت پیشین، روابط عاطفی و احساسی، مستقل بودن، تعهد داشتن، تناسب اعتقادی، احترام متقابل و درک کردن می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش شهبازی فراهانی و همکاران (۱۳۹۸) که با هدف کشف ملاک‌های انتخاب همسر ۱۵ نفر از معلمان دختر در آستانه ازدواج ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر تهران انجام شد حاکی از آن بود که ملاک‌های انتخاب همسر دختران، شامل ملاک‌های فردی و ملاک‌های زمینه‌ای می‌باشد که ملاک‌های فردی دربرگیرنده ملاک‌های شخصیتی، سنی، تحصیلی، اعتقادی، اقتصادی و ویژگی‌های ظاهری می‌باشد و ملاک‌های زمینه‌ای شامل ملاک‌های فرهنگی، ارزشی، سیاسی و ملاک‌های مربوط به خانواده همسر می‌باشد. علاوه بر آن، نتایج پژوهش جبرائیلی و همکاران (۱۳۹۲) که بر روی ۳۷۵ دانشجو در دانشگاه شهید بهشتی انجام شد نشان داد که پسران ملاک‌های مرتبط با زیبایی و دختران ملاک‌های مرتبط با توانایی مالی مرد و قابل‌اتکا بودن او را بیشتر ترجیح می‌دهند.

1. Schwarz & Hassebrauck
2. Maliki
3. Greitemeyer

هرچند ازدواج و همسرگزینی را باید عملی ارادی دانست که به خواست، تمایلات و دیدگاه‌های فردی مربوط می‌شود، اما زندگی اجتماعی انسان و روابط پیچیده او با محیط و اجتماع، انتخاب همسر و فرآیند آن را تحت تأثیر روابطی دوسویه با متغیرهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و خانوادگی قرار می‌دهد (ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰). در واقع، نه یک علت، بلکه شبکه‌ای از علت‌هاست که در حین تعامل بر یکدیگر، بر امر همسرگزینی و معیارهای موردنظر فرد تأثیر می‌گذارد (غروی، ۱۳۸۸). به بیان دیگر ملاک‌هایی که افراد به منظور انتخاب همسر در نظر می‌گیرند، به‌طور ناگهانی به وجود نمی‌آیند بلکه همه آن‌ها دارای علتی بوده و نتیجه و برآیند اثرگذاری یک سلسله فرآیندهای متعدد در ادوار زندگی فرد می‌باشد. تنها در چند پژوهش محدود به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ملاک‌های افراد برای انتخاب همسر پرداخته شده است. به‌عنوان نمونه، نتایج پژوهش بلر و مادیکان^۱ (۲۰۱۹) بر روی ۳۴۱ زن و ۱۹۱ مرد و ۱۵۰ دانشجوی چینی ۱۸ تا ۲۲ ساله نشان داد که فرهنگ سنتی جامعه، نظرات والدین و تجارب ازدواج آن‌ها بر انتخاب همسر جوانان اثرگذار بوده است. همچنین، نتایج پژوهش نونکاینریه^۲ (۲۰۱۶) بر روی ۳۰۰ دانشجو (۱۵۰ مرد و ۱۵۰ زن) از پنج جامعه قبیله‌ای شمال شرقی هند که سن اکثریت آن‌ها بین ۱۹ تا ۳۰ سال و پیرو فرقه‌های مختلف آیین مسیحیت و هندو بودند، نشان داد انتخاب همسر فرایندی پیچیده است که تحت تأثیر عوامل مختلفی چون قوانین جامعه، عرف و مقررات فرقه مذهبی قرار می‌گیرد، به عبارت دیگر افراد برای انتخاب همسر نمی‌توانند کاملاً آزادانه عمل کنند، بلکه این اقدام در قالب مرزهای تعیین شده توسط اجتماع صورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال در برخی از این جوامع، افراد بر اساس قوانین ملزم بودند که درون همسری را رعایت کرده و تنها با فردی از قبیله و فرقه مذهبی خودشان ازدواج کنند و علاوه بر آن، در کنار این قوانین، والدین نیز فرزندان‌شان را به رعایت این امور تشویق می‌کردند. به‌علاوه نتایج پژوهش پراکاش و سینگ^۳ (۲۰۱۴) بر روی ۵۴۴ (۲۶۴ مرد و ۲۸۰ زن) جوان هندی ۱۸ تا ۳۴ ساله نشان داد که نقش والدین در فرآیند انتخاب همسر جوانان کاهش یافته است و جوانان برای انتخاب همسر بیشتر بر نظرات شخصی خود متکی هستند. نتایج پژوهش جبرئیلی و همکاران (۱۳۹۲) بر روی

1. Blair & Madigan
2. Nongkynrih
3. Prakash & Abhishek

۳۶۰ دانشجوی (۱۶۱ مرد و ۱۹۹ زن) دانشگاه شهید بهشتی نشان داد که ارزش‌های فرهنگی ازدواج بر ترجیحات انتخاب همسر افراد تأثیر می‌گذارند. نتایج پژوهش جبرئیلی و همکاران (۱۳۹۳) بر روی ۳۷۵ دانشجوی (۱۶۸ پسر و ۲۰۷ دختر) دانشگاه شهید بهشتی نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی بر ملاک‌های افراد برای انتخاب همسر تأثیر می‌گذارند. به‌عنوان نمونه برخی افراد برون‌گرا تمایل داشتند با فردی ازدواج کنند که همانند خودشان اهل معاشرت با دیگران باشد. علاوه بر آن، نتایج پژوهش بروجردی علوی و شمسی (۱۳۹۴) بر روی ۳۰۶ جوان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران نشان داد که رسانه‌های تصویری همچون ماهواره ممکن است بر الگوی همسرگزینی آنان تأثیر بگذارد، به‌طوری‌که تماشاکنندگان شبکه‌های ماهواره‌ای به ملاک‌های مادی و ظاهری همچون زیبایی و تحصیلات اهمیت بیشتری داده و در این مورد نظرات شخصی خود را نسبت به نظرات خانواده در اولویت بیشتری قرار می‌دهند. همچنین، نتایج پژوهش یعقوبی‌دوست، شاه‌ون‌وند، جولا و مرادی (۱۳۹۴) بر روی ۳۸۴ نفر از جوانان شهر اهواز نشان داد که به دلیل فضای قومی و سنتی حاکم بر منطقه، خانواده‌ها بیشترین تأثیر را بر ملاک‌های انتخاب همسر جوانان دارند و رسانه‌های دیداری نتوانسته‌اند تغییر چشمگیری در ملاک‌های آنان ایجاد کنند. علاوه بر آن، نتایج پژوهش خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۴) که بر روی ۱۶ نفر از دانشجویان متأهل زن و مرد دانشگاه شهید چمران اهواز انجام شد نشان داد جوانان با الگوگیری از نکات مثبت و عبرت‌گیری از نکات منفی زندگی مشترک اطرافیان توانسته‌اند که تجارب بسیاری برای آمادگی در زمینه ازدواج کسب کنند. همچنین، نتایج پژوهش نیازی و همکاران (۱۳۹۴) که بر روی ۶۲۰ نفر از جوانان شهر کاشان انجام گرفت نشان داد عوامل خانوادگی از جمله ارزش‌ها، تأکیدات خانوادگی، تجارب زندگی والدین و رسانه‌های گروهی بر نگرش جوانان به ازدواج اثرگذار بوده است. به‌علاوه، نتایج پژوهش جعفریان و لبافی (۱۳۹۷) که بر روی ۲۰ نفر از جوانان شهر اصفهان انجام گرفت نشان داد جوانان بیشتر مایل به ازدواج با فردی هستند که از نظر موقعیت اجتماعی همانند یا بالاتر از خودشان باشد و نقش خانواده‌ها نیز در انتخاب همسر جوانان کاهش یافته است. همچنین نتایج پژوهش شهرابی فراهانی و همکاران (۱۳۹۸) که بر روی ۱۵ نفر از دختران ۱۸ تا ۳۰ ساله مجرد شهر تهران انجام شد، نشان داد جوانان خودشناسی و استفاده از مشورت افراد آگاه در بین خانواده، دوستان و مراجعه به متخصصین مشاور را از عوامل مهم برای

ازدواجی مناسب می‌دانند. با توجه به آنچه مطرح شد، علی‌رغم اهمیت موضوع عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ملاک‌های همسرگزینی، پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام گرفته محدود بوده و با توجه به بررسی‌های انجام شده پیشینه‌چندانی در این رابطه یافت نشد که پاسخگو و شفاف‌کننده سؤال به وجود آمده در رابطه با عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر در جوانان باشد. به عبارت دیگر، کمتر پژوهشی این پدیده را به صورت جامع و با در نظرگیری هم‌زمان ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داده است. این در حالی است که افزایش مرزهای دانش در زمینه عوامل مؤثر بر تعیین ملاک‌های انتخاب همسر در جوانان احتمالاً ما را نسبت به دنیای پدیداری آن‌ها آگاه‌تر نموده و با این آگاهی توسعه‌یافته می‌توان از طریق برنامه‌های پیشگیرانه، آموزشی، مشاوره‌ای و مداخلاتی در جهت مثبت گام برداشت؛ از این رو، هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر در جوانان در شرف ازدواج و تحصیل کرده شهر ایلام بود.

روش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با یک طرح نظریه زمینه‌ای^۱ انجام پذیرفت. مشارکت‌کنندگان را ۲۴ نفر (۱۲ خانم و ۱۲ آقا) تشکیل می‌دادند که در سال ۱۳۹۸ به مرکز مشاوره پیش از ازدواج شهر ایلام مراجعه کرده بودند و از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل سن بین ۲۲ تا ۳۵ سال، در شرف ازدواج، دارای تحصیلات دانشگاهی و تمایل و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش بود. ملاک‌های خروج از پژوهش شامل وجود اختلالات شدید روانی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، عدم تمایل به شرکت در پژوهش یا ادامه آن بود. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۸ سال که ۵۰ درصد از آن‌ها دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۴۱/۶ درصد دارای مدرک کارشناسی و ۸/۳ درصد دارای مدرک دکتری بودند؛ همچنین همه شرکت‌کنندگان دارای قومیت کرد بودند. روش اجرای کار بدین صورت بود که پس از کسب مجوز از مرکز بهداشت شهرستان ایلام به مرکز دولتی مشاوره پیش از ازدواج مراجعه شد و از روی فهرست مراجعان مرکز، افراد دارای ملاک‌های ورود به

1. Grounded Theory

پژوهش‌شناسایی و از آن‌ها برای مصاحبه دعوت به عمل آمد که پس از مصاحبه با ۲۴ نفر داده‌ها به اشباع رسید. میانگین مدت مصاحبه‌ها ۶۰ دقیقه بود. برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد. محور کلی و چهارچوب سؤالات مصاحبه، پس از گرفتن راهنمایی‌های لازم از اساتید راهنما و مشاور و جمع‌بندی نظرات آن‌ها و مراجعه به منابع نظری مربوطه تدوین شد. مصاحبه‌ها با یک سؤال کلی در مورد ملاک‌های انتخاب همسر شروع می‌شد و سپس در ادامه در خصوص هر ملاک، سؤالاتی چون «چه عواملی بر شکل‌گیری این ملاک شما برای انتخاب همسر مؤثر بوده است؟»؛ همچنین در ادامه سؤالاتی دیگر مانند «تاکنون چه اقداماتی برای شناسایی بهترین و مناسب‌ترین ملاک‌های انتخاب همسر انجام داده‌اید؟» و «پیامدهای حاصل از به‌کارگیری و انجام این اقدامات برای شما چه بوده است؟» به‌علاوه در اثنای مصاحبه‌ها، سؤالاتی دیگر بر مبنای پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به‌منظور عمیق‌تر و دقیق‌تر کردن مصاحبه، پرسیده می‌شد. بعد از هر مصاحبه، فایل‌های صوتی روی کاغذ پیاده شد و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با روش نظریه زمینه‌ای و با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. به‌منظور رعایت اصول اخلاقی، موارد ذیل مدنظر قرار گرفت: ضبط صدای مصاحبه‌شوندگان، با آگاهی و رضایت کامل آن‌ها انجام و به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که مشخصات آن‌ها محرمانه باقی خواهد ماند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش این اجازه را داشتند که در هر مرحله‌ای از مطالعه بدون آن‌که پیامدی برای آن‌ها داشته باشد از پژوهش خارج شوند. جهت رعایت ویژگی‌های کیفی پژوهش از ملاک‌های تأییدپذیری^۱، قابلیت اعتبار^۲ و قابلیت اطمینان^۳ استفاده شد؛ به‌منظور برآوردن تأییدپذیری نتایج یافته‌ها با مبانی نظری و پیشینه پژوهش مقایسه شده و مورد تبیین واقع گردید. برای کسب ملاک قابلیت اعتبار کوشش گردید که مشارکت‌کنندگان با تنوع بیشتر انتخاب شوند و همچنین بازبینی رونوشت مصاحبه‌ها و گزارش مطالعه نیز صورت گرفت. در نهایت، در مورد ملاک قابلیت اطمینان تلاش‌های لازم به عمل آمد تا فرآیندهای تحقیق به‌صورت شفاف در گزارش پژوهش تشریح گردند.

1. Confirmability
2. Credibility
3. Dependability

یافته‌ها

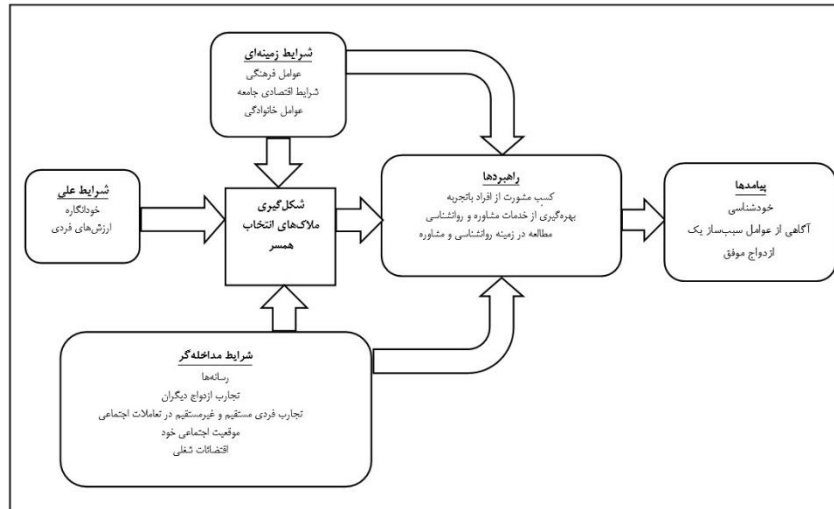
نتایج حاصل از کدگذاری باز، محوری و انتخابی مصاحبه‌ها در جدول ۱ آمده است

جدول ۱. کدگذاری عبارت‌ها و مفاهیم مهم جوانان در شرف ازدواج و تحصیل کرده شهر ایلام در ارتباط با عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر

کدگذاری انتخابی	نوع مقوله	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	
شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر در جوانان در شرف ازدواج و تحصیل کرده شهر ایلام متأثر از برخی عوامل درون‌فردی (به‌عنوان شرایط علی)، برخی عوامل بیرون‌فردی (به‌عنوان شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر) و اقدامات فعالانه فردی (به‌عنوان راهبردها و پیامدها) هستند.	شرایط علی	خودانگاره	تصور فرد از ویژگی‌های شخصیتی خود	
		ارزش‌های فردی	اعتقادات مذهبی فرد ارزش‌های شخصی	
	شرایط زمینه‌ای	عوامل فرهنگی	عوامل فرهنگی	ارزش‌های فرهنگی ازدواج
				باورهای رایج درباره شناخت شخصیت افراد
				ارزش‌های اجتماعی
		عوامل خانوادگی	عوامل خانوادگی	محیط و اعتقادات مذهبی خانواده
				سبک تربیتی خانواده
				ارزش‌های خانوادگی
	شرایط اقتصادی جامعه	شرایط اقتصادی جامعه	تأکیدات خانواده	
			وضعیت اقتصادی خانواده اصلی	
			وضعیت اقتصادی جامعه	
	شرایط مداخله‌گر	رسانه‌ها	رسانه‌ها	تأثیرپذیری از شعر و ادب فارسی
				تأثیرپذیری از منابع دینی
				تأثیرپذیری از رسانه‌های تصویری
		تجارب ازدواج دیگران	تجارب فردی مستقیم/غیرمستقیم در تعاملات اجتماعی	تجارب فردی مستقیم/غیرمستقیم در تعاملات اجتماعی
مشاهده و ارزیابی رفتار دیگران				
تجارب حاصل از خواستگاری‌های قبلی				

کدگذاری انتخابی	نوع مقوله	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
		موقعیت اجتماعی خود	جایگاه اجتماعی فرد
			سطح تحصیلات فرد
		اقتضانات شغلی	شرایط شغلی فرد
	راهنماها	کسب مشورت از افراد باتجربه	صحبت و بهره‌گیری از تجارب دوستان متأهل
		بهره‌گیری از خدمات مشاوره و روانشناسی	مراجعه به مشاور
			شرکت در کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی در زمینه ازدواج و انتخاب همسر
		مطالعه در زمینه روانشناسی و مشاوره	مطالعه کتاب در زمینه ازدواج و انتخاب همسر
			مطالعه کتاب‌های خودشناسی
			استفاده از مطالب علمی روانشناسی فضای مجازی
	پیامدها	خودشناسی	آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی خود
			آگاهی از انتظارات و خواسته‌ها در مورد همسر آینده
		آگاهی از عوامل موجب ازدواج موفق	پی بردن به میزان اهمیت هر یک از ملاک‌ها

شکل ۱. الگوی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر جوانان



تحلیل مصاحبه‌های کیفی نشان می‌دهند که شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر در جوانان متأثر از برخی عوامل درون‌فردی به‌عنوان شرایط علی، برخی عوامل برون‌فردی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر و اقدامات فعالانه فردی با عنوان راهبردها و پیامدها هستند که به توصیف این ابعاد در زیر پرداخته شده است.

۳-۱. شرایط علی

شرایط علی شامل دو مقوله خودانگاره و ارزش‌های فردی بود. مصاحبه‌های کیفی در پژوهش حاضر نشان می‌دهند که مشارکت‌کنندگان تصور از خودشان و ارزش‌ها و اعتقاداتی که دارند را به‌عنوان دلایل اصلی انتخاب ملاک‌های انتخاب همسر در نظر می‌گیرند. به‌عنوان نمونه، مشارکت‌کننده ۱۳ اظهار کرد: «چون خودم درون‌گرم، دوست دارم که همسرم یک فرد برون‌گرا باشه». همچنین، مشارکت‌کننده ۲ بیان کرد: «فرد صادقی باشه چون صداقت داشتن همیشه تو زندگی برای من مهم و ارزشمند بوده و حتی هیچ‌وقت نمی‌تونم تصور کنم دو نفر که با هم زندگی می‌کنن بخوان به همدیگه دروغ بگن».

۳-۲. شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر در جوانان شامل عوامل فرهنگی، عوامل خانوادگی و شرایط اقتصادی جامعه بود؛ بدین صورت که مشارکت‌کنندگان در پژوهش ارزش‌های متأثر از فرهنگ، ارزش‌ها و آموزه‌ها و سطح رفاه خانوادگی و نیز شرایط اقتصادی جامعه را به‌عنوان زمینه‌های اصلی بر شکل‌گیری ملاک‌های همسرگزینی خود مؤثر می‌دانستند. به‌عنوان نمونه، مشارکت‌کننده ۷ اظهار کرد: «به لحاظ سنی کوچک‌تر از خودم باشه، به این دلیل که معمولاً می‌گن بهتره سن زن چند ماه یا چند سال کمتر از مرد باشه، چون اینجوری بهتر میشه زندگی رو کنترل کرد و اختلاف کمتری پیش میاد.» همچنین، شرکت‌کننده ۲ عنوان کرد: «اینکه دوستان همسر چه کسانی هستن برای من مهمه، چون یه ضرب‌المثلی هست که میگه اگه می‌خواهی کسی رو بشناسی با کتاب‌هایی که خونده و دوستایی که داشته بشناسش». شرکت‌کننده ۱۹ نیز اظهار داشت: «فردی معتقد و مذهبی باشه چون خانوادم مذهبی هستن و من در چنین محیطی بزرگ شدم و آموزه‌هایی که خانوادم در این خصوص بهم دادن، اقتضا می‌کنه که این ملاک رو داشته باشم». از نگاه شرکت‌کننده ۲۰: «صادق بودن همسر برای من خیلی مهمه، چون خودم تو خانواده طوری بار اومدم که اگر احیاناً کار اشتباهی انجام دادم و گفتنش هم به نفع نبوده، باز هم راستش رو گفتم و به خاطر صداقتم تشویق شدم.» همچنین، شرکت‌کننده ۲ عنوان کرد: «من قبلاً می‌گفتم که همسرم نبایستی شاغل باشه ولی الآن شرایط اقتصادی اقتضا می‌کنه که این ملاک رو داشته باشم».

۳-۳. شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر شامل مقوله رسانه‌ها، مقوله تجارب ازدواج دیگران، مقوله تجارب فردی مستقیم و غیرمستقیم در تعاملات اجتماعی، مقوله موقعیت اجتماعی خود و مقوله اقتضائات شغلی بود؛ بدین صورت که مشارکت‌کنندگان در تحقیق تأثیرپذیری خود از رسانه‌های مکتوب و تصویری و نیز تجارب ازدواج افراد دیگر و نیز تعامل با دیگران را به‌عنوان عوامل اثرگذار بر انتخاب ملاک‌های خود جهت همسرگزینی مطرح می‌کردند. آن‌ها همچنین موقعیت اجتماعی و کاری خود را نیز در زمره این‌گونه مسائل عنوان می‌کردند. به‌عنوان نمونه، شرکت‌کننده ۵ اظهار کرد: «ادبیات فارسی ما ادبیات غنی‌ای هست و روی واژه عشق بسیار تأکید داره و من هم به اون

خیلی معتقدم، شعرای بسیاری هم در تمجید از همسرشون شعرهای بسیاری سرودن، این تفکرات روی من هم تأثیر گذاشته و بنابراین، برام مهمه که بینمون عشق و علاقه وجود داشته باشه.» همچنین، شرکت کننده ۱۹ اظهار داشت: «قبلاً توجه به اینکه طرف مقابلم رفیق باز هست یا نه، جزء معیارهام برای ازدواج نبود، چون خودم هم بعضی مواقع دوستانم رو می دیدم و باهاشون ارتباط داشتم و مسئله عادی ای بود برام، اما یکی از دوستانم، سر اینکه شوهرش، خیلی رفیق باز بود، ازش جدا شد، مثلاً شوهرش ایام عید با دوستاش می رفته کوه و دو و سه شبانه روز اونجا می مونده، دیگه براش مهم نبوده که زنش تو خونه تنهاست و زودتر برگرده پیشش.» همچنین، مشارکت کننده ۲۳ نیز بیان کرد: «چون افرادی رو دیدم که مسئولیت پذیر نبودن و کار خودشونو به بقیه واگذار می کردن که به نظرم اصلاً رفتار درستی نبوده، من آدمی که خودش داوطلبانه کمک کنه و مسئولیت پذیر باشه رو بیشتر می پسندم.» علاوه بر آن، مشارکت کننده ۱۸ بیان داشت که: «بعد از اولین پیشنهاد ازدواجم، صداقت طرف مقابلم برای من خیلی اهمیت پیدا کرد، چون بالاخره آدم وقتی یه پیشنهاد داره، آگه به نظر خوب باشه میره راجع بهش تحقیق می کنه، اولین نفری که به من پیشنهاد ازدواج داد در مورد بعضی از مسائل به من دروغ گفت؛ همون باعث شد که صداقت فرد بیشتر برام اهمیت پیدا کنه.»

۳-۴. راهبردها

در الگوی عوامل مؤثر بر شکل گیری ملاک های انتخاب همسر جوانان راهبردها شامل سه مقوله کسب مشورت از افراد باتجربه، بهره گیری از خدمات مشاوره و روان شناسی و نیز مطالعه در زمینه روان شناسی و مشاوره بود. به نظر می رسد که اقدامات فعالانه ای همچون صحبت با افراد باتجربه و مشاوران متخصص و نیز فراگیری مباحث مربوط به همسرگزینی از طریق کلاس ها و کتاب ها به نوعی به ملاک های انتخاب همسر در جوانان شکل می دهند. به عنوان مثال، شرکت کننده ۱۵ اظهار کرد: «گاهی با دوستانی که متأهل هستن در مورد ملاک های ازدواج صحبت می کنم و خیلی چیزا رو ازشون یاد می گیرم چون برام تعریف می کنن که خودشون چه ملاک هایی رو برای ازدواج در نظر گرفتن و تأثیرش توی زندگی شون چی بوده.» همچنین شرکت کننده ۲۳ اظهار کرد: «قبلاً به یک مشاور مراجعه کردم، چون به نظرم صحبت با یک فرد متخصص خیلی می تونه برای کسب آگاهی بیشتر در این زمینه ها کمک کننده باشه.» علاوه بر آن، مشارکت کننده ۵ اظهار

کرد: «کتاب‌های روان‌شناسی زیاد خوندم و متوجه شدم که وجود ملاک‌های دیگه برای ازدواج شرط لازم هست ولی کافی نیست و باید در ابتدا حتماً اون حس مثبت و علاقه به طرف مقابل وجود داشته باشه که به شخص انگیزه‌ای برای تمایل به ازدواج و ادامه مسیر بده.» مشارکت‌کننده ۱۳ نیز اظهار کرد: «بعضی کانال‌ها و پیج‌های علمی روان‌شناسی، مشاوره ازدواج و خانواده رو تو تلگرام و اینستاگرام دنبال کردم و هر موقع که فرصت کنم مطالعه می‌کنم.»

۳-۵. پیامدها

اقدامات و تعاملات مشارکت‌کنندگان در زمینه ملاک‌های انتخاب همسر منجر به پیامدهایی می‌گردد که در دو مقوله خودشناسی و آگاهی از عوامل سبب‌ساز یک ازدواج موفق قرار می‌گیرند. بدین صورت که فرد در این فرآیند از ویژگی‌های شخصیتی خود و انتظاراتش از همسر آینده آگاه گردیده و در رابطه با اهمیت و اولویت ملاک‌ها، دست به بازنگری می‌زند. به‌عنوان مثال، شرکت‌کننده ۲۳ اظهار کرد: «مراجعه‌ام به مشاور باعث شد تا خودم رو بهتر بشناسم و بدونم که چطور شخصیتی دارم»، مشارکت‌کننده ۱ نیز بیان داشت: «مطالعه کتاب‌های خودشناسی باعث شده تا بفهمم که اصلاً خودم چطور شخصیتی دارم و به نظرم به اون خودآگاهی که پیش‌نیاز یک ازدواج موفق هست برسم»، هم‌چنین شرکت‌کننده ۸ گفت: «کارگاهی رو که رفتم باعث شد که بفهمم ملاک‌های مهم و قابل‌توجه در زمینه انتخاب همسر چه چیزهایی هستن و اصلاً موقع ازدواج به چه مواردی باید توجه کنم تا ازدواج موفق داشته باشم.»

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف ارائه یک نظریه زمینه‌ای در رابطه با عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر در بین جوانان تحصیل‌کرده شهر ایلام انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر در جوانان در شرف ازدواج و تحصیل‌کرده شهر ایلام متأثر از برخی عوامل درون‌فردی به‌عنوان شرایط علی، برخی عوامل برون‌فردی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر و برخی اقدامات فعالانه فردی به‌عنوان راهبردها و پیامدها هستند. یافته‌ها نشان داد که مقولات خودانگاره و ارزش‌های فردی به‌عنوان شرایط علی؛ رسانه‌ها، تجارب ازدواج دیگران، تجارب فردی مستقیم و غیرمستقیم در تعاملات اجتماعی، موقعیت

اجتماعی خود و اقتضائات شغلی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر؛ شرایط اقتصادی جامعه، عوامل خانوادگی و عوامل فرهنگی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای؛ کسب مشورت از افراد باتجربه، بهره‌گیری از خدمات روان‌شناسی و مشاوره و مطالعه در زمینه روان‌شناسی و مشاوره به‌عنوان راهبردها؛ خودشناسی و آگاهی از عوامل سبب‌ساز یک ازدواج موفق نیز به‌عنوان پیامدهای این الگو مشخص گردید.

همان‌طور که ذکر گردید، شرایط علی شامل مقولات خودانگاره و ارزش‌های فردی بود. این یافته با نتایج پژوهش جبرئیلی و همکاران (۱۳۹۳) مبنی بر تأثیر ویژگی‌های شخصیتی افراد بر ترجیح ملاک‌های آن‌ها برای همسرگزینی همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در حال حاضر، کشور ایران همچون سایر کشورهای در حال توسعه در مرحله گذار از سنت و ورود به مدرنیته است و به همین سبب با تغییرات اجتماعی و فرهنگی وسیعی در همه پدیده‌های اجتماعی از جمله ازدواج و همسرگزینی روبه‌روست. این تغییرات موجب شده مردان و زنان، نگرش نوینی نسبت به انتخاب همسر داشته باشند و فعالانه‌تر نسبت به در نظرگیری برخی تناسب‌های شخصیتی با فرد موردنظر اهمیت قائل شوند. به همین دلیل، افراد برای انتخاب همسر، به دنبال فردی شبیه یا مکمل خود در ویژگی‌های شخصیتی و اعتقادات و ارزش‌های فردی‌شان می‌باشند. بر اساس نظریه همسان‌همسری نیز افراد مایل‌اند همسرانی را انتخاب کنند که از نظر ویژگی‌های شخصیتی، روانی، فرهنگی، اجتماعی و ارزشی با آن‌ها مشابه باشند (هاشمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳؛ اسکوریال و مارتین بورو^۱، ۲۰۱۲). همچنین، بر اساس نظریه نیازهای مکمل، افراد مایل‌اند با کسی ازدواج کنند که نیازهای آن‌ها را تکمیل نماید و به عبارتی تمایل به جستجوی کسی دارند که او آنچه را که آن‌ها ندارند اما دوست دارند داشته باشند، دارا باشد (اولسون و همکاران، ۱۹۹۹؛ فیگوردو و همکاران^۲، ۲۰۰۶)؛ پژوهشگران در حین مصاحبه‌های کیفی در پژوهش حاضر نیز دریافتند که برخی مشارکت‌کنندگان با در نظرگیری خودانگاره خویش، تمایل به ازدواج با فردی را داشتند که در یک ویژگی خاص مشابه یا برعکس خودشان باشد.

1. Escorial & Martín-Buro
2. Figueredo et al

در پژوهش حاضر، شرایط زمینه‌ای شامل مقولاتی همچون عوامل خانوادگی، عوامل فرهنگی و شرایط اقتصادی جامعه می‌باشد. یافته‌ها نشان داد که عوامل خانوادگی می‌توانند نقش زمینه‌ای در شکل‌گیری ملاک‌های همسرگزینی داشته باشند. در اینجا، منظور از عوامل خانوادگی، اعتقادات، ارزش‌ها، تأکیدات، سبک تربیتی و وضعیت اقتصادی خانواده جوانان است. این یافته با نتایج مطالعات نونکاینریه (۲۰۱۶)، بلر و مادیگان (۲۰۱۹) و یعقوبی‌دوست و همکاران (۱۳۹۴) مبنی بر اثرگذاری نظرات خانواده بر ملاک‌های انتخاب همسر جوانان همسو است؛ همچنین، این یافته با نتایج پژوهش پراکاش و سینگ (۲۰۱۴)، جعفریان و لبافی (۱۳۹۷) و بروجردی علوی و شمسی (۱۳۹۴) که نشان دادند نقش خانواده‌ها در تعیین ملاک‌های همسرگزینی جوانان کاهش یافته است ناهمسو است. در تبیین این یافته، می‌توان گفت نقش پایدار و تعیین‌کننده خانواده به‌عنوان اولین نهاد اجتماعی که افراد در آن رشد کرده و جامعه‌پذیر می‌شوند در شکل‌گیری شخصیت، نگرش، علایق افراد و نحوه تعامل با دیگران انکارناپذیر است (یعقوبی‌راد، ۱۳۹۳). البته بیان این نکته نیز ضروری است که با توجه به تغییرات فرهنگی ایجادشده در جامعه، افزایش سطح سواد جوانان و فراهم بودن زمینه شناخت جوانان از همدیگر در محیط‌های آموزشی و کار، به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد کم‌رنگ‌تر شدن نقش والدین در فرآیند انتخاب همسر جوانان باشیم؛ چیزی که نشانه‌هایش در برخی مطالعات اخیر نیز نمود یافته است. یافته دیگر مطالعه نشان داد که تکوین ملاک‌ها در بافتی متأثر از عوامل فرهنگی رخ می‌دهد. در اینجا، عوامل فرهنگی به ارزش‌ها و باورهای رایج در اجتماع اشاره دارد. این یافته با نتایج مطالعات جبرئیلی، زاده‌محمدی و حیدری (۱۳۹۲) و بلر و مادیگان (۲۰۱۹) که نشان دادند ارزش‌های فرهنگی موجود در جامعه بر ملاک‌های انتخاب همسر جوانان تأثیرگذار است همسو است. یافته دیگر پژوهش نشان داد که شرایط اقتصادی نیز به‌عنوان عاملی زمینه‌ای می‌تواند در این الگو نقش ایفا نماید. در اینجا، شرایط اقتصادی جامعه به شرایط سخت اقتصادی حاکم بر جامعه اشاره دارد که موجب شده است شاغل بودن و درآمد داشتن با توجه به شرایط مذکور علاوه بر زنان، برای برخی مردان هم به معیاری مهم تبدیل گردد. در تبیین این یافته، می‌توان گفت که به دلیل هزینه‌های بسیار بالای زندگی مشترک با توجه به اقتصاد تورمی و اثرات تحریم‌های ظالمانه علیه ایران، نوعی تغییر نقش خانوادگی نیز در حال وقوع است به‌طوری‌که مردان مانند گذشته، دیگر فقط خود را نان‌آور

صرف خانه نمی‌دانند و به دنبال این هستند که همسرشان نیز بخشی از هزینه‌های زندگی را تأمین کند تا فشار کمتری را متحمل شوند.

در مطالعه حاضر، شرایط مداخله‌گر شامل رسانه‌ها، تجارب ازدواج دیگران، تجارب فردی مستقیم و غیرمستقیم در تعاملات اجتماعی، موقعیت اجتماعی خود و اقتضانات شغلی می‌باشد. یافته‌ها حاکی از آن بود که ملاک‌های همسرگزینی تحت‌الشعاع فضای رسانه‌ها قرار می‌گیرد. در اینجا، منظور از رسانه‌ها، رسانه‌های مختلف دیداری و مکتوب می‌باشد. این یافته با نتایج تحقیقات بروجرودی علوی و شمسی (۱۳۹۴) و نیازی و همکاران (۱۳۹۴) که نشان دادند رسانه‌های تصویری بر نگرش‌ها و الگوی همسرگزینی جوانان تأثیر گذاشته است، همسو می‌باشد. همچنین، این یافته با نتایج مطالعات یعقوبی‌دوست و همکاران (۱۳۹۴) که نشان دادند رسانه‌های دیداری بر نگرش‌ها و ملاک‌های جوانان برای انتخاب همسر تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای ندارند، ناهم‌سوست. تأثیرگذاری رسانه‌ها بر ملاک‌های افراد برای انتخاب همسر را می‌توان با استفاده از نظریه کاشت^۱ تبیین کرد. نظریه کاشت به آثار درازمدت و تدریجی رسانه‌های مختلف دیداری، شنیداری و مکتوب بر شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطبان از دنیای اطراف و مسائل گوناگون اشاره دارد. بر اساس این نظریه، مخاطبان در دریافت پیام‌های رسانه‌ها مانند زمین مستعدی هستند که می‌توان هر چه را موردنظر است در آن‌ها کاشت و پرورش داد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۶؛ ربیعی و همکاران، ۱۳۹۴). یافته دیگر پژوهش حاضر اشاره به تأثیر الگوگیری یا عبرت‌گیری از تجارب ازدواج دیگران بر ملاک‌های همسرگزینی جوانان دارد. این یافته با نتایج پژوهش بلر و مادیکان (۲۰۱۹)، خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۴) و نیازی و همکاران (۱۳۹۴) مبنی بر تأثیرپذیری جوانان از تجارب ازدواج اطرافیان و کسب تجربه از زندگی مشترک آن‌ها همسو می‌باشد. در توضیح این یافته، شایان‌ذکر است که تجربه شخصی مستقیم معمولاً نیازمند صرف زمان طولانی و هزینه‌های مادی و غیرمادی هنگفت است و علاوه بر آن، در صورتی که نتیجه مطلوب نباشد نیز شاید هیچ‌گاه نتوان از آسیب‌ها و تلخی‌های آن تجربه بیرون آمد؛ بنابراین، شاید برای فرد مفید به نظر می‌آید که از تجارب و اندوخته‌های دیگران در این زمینه استفاده نماید. یافته دیگر تحقیق حاضر، از نقش مداخله‌گر تجارب فردی مستقیم و غیرمستقیم در تعاملات اجتماعی در شکل‌گیری ملاک‌ها حکایت دارد.

1. Cultivation Theory

در اینجا، تجارب فردی بر مشاهده و ارزیابی رفتار دیگران و خواستگاری‌های قبلی دلالت دارد. در تبیین این یافته، قابل‌ذکر است که مغز انسان با ارزیابی کردن آمیخته شده است؛ بنابراین، به محض مشاهده دیگران، شروع به ارزیابی رفتار و ظاهر آن‌ها می‌کند و گاهی نتایج حاصل از این ارزیابی‌ها می‌تواند سبب شکل‌گیری نگرش‌ها و احساسات مختلفی در افراد شده و بر تصمیم‌گیری آن‌ها برای انتخاب همسر نیز اثر بگذارد. علاوه بر آن تجارب افراد از خواستگاری‌های قبلی موجب می‌گردد که افراد بیش‌ازپیش به ملاک‌های خاصی برای انتخاب همسر توجه کنند. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی^۱ افراد علاوه بر تجربه مستقیم خود، با مشاهده رفتار دیگران و پیامدهای آن، نحوه انجام رفتارهای جدید را آموخته و بدین‌صورت قبل از اقدام به رفتار از بسیاری از خطاهای غیرضروری پیشگیری می‌کنند (آلسون و هرگنهان، ۲۰۰۹). یافته دیگر مطالعه حاضر نشان داد که موقعیت اجتماعی نیز می‌تواند به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر بر تکوین ملاک‌های همسرگزینی اثربخش باشد. در اینجا، منظور از موقعیت اجتماعی، سطح تحصیلات، شغل و جایگاه اجتماعی افراد است. این یافته با نتایج تحقیق جعفریان و لبافی (۱۳۹۷) مبنی تمایل جوانان به انتخاب همسری با موقعیت اجتماعی برابر یا بالاتر از خودشان، همسو است. همچنین، بر اساس نظریه تبادل اجتماعی، تمایل به برقراری تبادلی عادلانه بر انتخاب همسر تأثیر می‌گذارد و افراد در ازدواج به دنبال به دست آوردن حداکثر بهره‌مندی و ارائه کمترین هزینه و ایجاد نوعی توازن بین داده‌ها و ستانده‌ها هستند (علوی و همکاران^۲، ۲۰۱۴؛ مهرابی‌زاده هنرمند و داودی، ۱۳۸۵). گاهی اهمیت این موضوع به‌قدری افزایش می‌یابد که برخی جوانان به دلیل ارتقای موقعیت اجتماعی خود و به امید داشتن همسری با مدرک تحصیلی عالی و شغل معتبر ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند و این عامل خود یکی از دلایل افزایش سن ازدواج و در برخی مواقع تجرد قطعی می‌باشد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۴). در نهایت، یافته‌های تحقیق در زمینه عوامل مداخله‌گر نشان از تأثیر اقتضانات شغلی بر شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر دارد. در اینجا، منظور از اقتضانات شغلی، محدودیت‌ها و شرایط خاصی است که شغل فرد اقتضا می‌نماید. در تبیین این یافته می‌توان گفت که برخی از مشاغل ویژگی‌ها و شرایط خاصی را به لحاظ درآمدی، میزان

1. Social learning Theory
2. Alavi et al

جابجایی مکانی، نوبت و ساعات کاری دارند و این ویژگی‌ها و شرایط خاص شغلی، بر نحوه و کیفیت زندگی متصدیان این مشاغل و شکل‌گیری برخی از ملاک‌های همسرگزینی آن‌ها اثر می‌گذارد و به تبع آن، این افراد هنگام انتخاب همسر خواستار ازدواج با فردی هستند که شرایط خاص شغلی آن‌ها را بپذیرد و از ملاک‌های موردنظر آن‌ها در این زمینه برخوردار باشد.

راهبردها شامل مقولاتی همچون کسب مشورت از افراد باتجربه، بهره‌گیری از خدمات مشاوره و مطالعه در زمینه روانشناسی می‌باشد. یافته‌ها نشان داد که یکی از راهبردهای جوانان برای افزایش آگاهی در مورد ملاک‌های انتخاب همسر کسب مشورت از افراد باتجربه می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش شهرابی فراهانی و همکاران (۱۳۹۸) مبنی بر اینکه مشورت با افراد آگاه و کارآمد یکی از راه‌های جوانان برای انتخاب همسری مناسب است، همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت کسب مشورت از دیگران و به‌ویژه افراد باتجربه یکی از راه‌های کسب آگاهی در خصوص مسائل گوناگون و تصمیم‌گیری درست در مورد آن‌هاست. نتایج پژوهش نشان داد که یکی دیگر از راهبردهای جوانان بهره‌گیری از خدمات مشاوره می‌باشد. در اینجا بهره‌گیری از خدمات مشاوره روان‌شناختی، به مراجعه به مشاور و شرکت در کلاس‌های آموزشی اشاره دارد. این یافته با نتایج پژوهش شهرابی فراهانی و همکاران (۱۳۹۸) که نشان داد مراجعه به مشاورین متخصص و کارآموده و کسب مشورت از آن‌ها، یکی از راه‌های جوانان برای افزایش آگاهی در خصوص انتخاب همسر به‌منظور ازدواجی مناسب می‌باشد، همسو است؛ بنابراین، خدمات تخصصی مشاوره می‌تواند به افزایش بینش و آگاهی افراد در این زمینه کمک کند. یافته دیگر پژوهش، به اثرگذاری مطالعه کتب و مطالب فضای مجازی در زمینه روان‌شناسی بر تعیین ملاک‌ها اشاره دارد. در تبیین این یافته، می‌توان گفت علاوه بر استفاده از کتاب‌ها، با ظهور نسل جدید از وسایل ارتباطی، شکل مطالعه، آموزش و یادگیری تغییر یافته و کاربران می‌توانند از طریق اینترنت به جدیدترین اطلاعات دسترسی یابند؛ به عبارت دیگر، جهان مجازی می‌تواند بر روی تمام جوانب زندگی افراد از جمله بینش آنان در مورد موضوعات مختلف، ازدواج و انتخاب همسر نیز اثرگذار باشد.

پیامدهای حاصل از راهبردهای به‌کارگرفته شده توسط جوانان به‌منظور افزایش آگاهی از ملاک‌های مهم برای انتخاب همسر «خودشناسی» و «آگاهی از عوامل سبب‌ساز یک ازدواج

موفق» را شامل می‌شوند. یافته‌ها نشان داد که افزایش خودشناسی می‌تواند یکی از نتایج راهبردهای به‌کارگرفته شده توسط جوانان باشد. در اینجا خودشناسی به آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی خود و آگاهی از انتظارات و خواسته‌ها در مورد همسر آینده اشاره دارد. این یافته با نتایج پژوهش شهرابی فراهانی و همکاران (۱۳۹۸) مبنی بر اینکه خودشناسی یکی از عوامل مهم برای ازدواجی مناسب است، همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که بروز تغییر و تحول در زندگی فردی، از جمله همسرگزینی یکی از دلایل مراجعه افراد به مشاور است و افراد با کمک خدمات مشاوره‌ای به خودشناسی و خودآگاهی رسیده و توانایی تصمیم‌گیری مناسب را پیدا کرده و درهای دنیای روشن‌تری را بر خویشتن می‌گشایند. شایان‌ذکر است که تا زمانی که فرد خود را نشناخته و راه و اهداف او در مورد آینده روشن نباشد، نمی‌تواند انتظار انتخاب همسری متناسب با خود را داشته باشد؛ بنابراین، لازم است که جوانان قبل از ازدواج به این مهم توجه کرده و از طرق مختلف درصدد دستیابی به آن باشند. آگاهی از عوامل سبب‌ساز یک ازدواج موفق به‌عنوان پیامد دیگری در الگوی ارائه‌شده مطرح است. در اینجا، منظور از آگاهی از عوامل سبب‌ساز یک ازدواج موفق، پی‌بردن جوانان به میزان اهمیت هر یک از ملاک‌ها می‌باشد. در توضیح این یافته، می‌توان گفت بدیهی می‌نماید که با شرکت در کلاس‌ها، مطالعه منابع مختلف و گفت‌وگو با افراد باتجربه و متخصص، فرد می‌تواند اطلاعات بیشتری نسبت به موضوع جمع‌آوری کند، به‌علاوه می‌تواند از زوایای دید متفاوت و با افکار متنوع به ملاک‌های همسرگزینی بنگرد و این راهبردها احتمالاً کمک می‌کند تا در مورد طرح‌واره‌ها و افکار پیشین خود تجدیدنظر نماید.

در مجموع، می‌توان گفت که ملاک‌های انتخاب همسر جوانان از منابع و عوامل متعددی اثر می‌پذیرد که شناخت و دست‌کاری آن‌ها می‌تواند به اقدامات گزیده‌تری در حوزه همسرگزینی و غنی‌سازی مشاوره‌های پیش از ازدواج منجر شود. از جمله مزایای الگوی ارائه‌شده در مطالعه حاضر، جامعیت و دید چندبعدی آن است و از جمله محدودیت‌های آن، می‌توان به راهبرد نمونه‌گیری و اندازه نمونه موردبررسی که صرفاً جوانانی از شهر ایلام را شامل می‌شد اشاره کرد. البته در پژوهش کیفی هدف تعمیم‌پذیری وجود ندارد، اما احتیاط در این زمینه توصیه می‌گردد. به‌علاوه با توجه به اینکه نمونه از مراکز مشاوره گرفته شده احتمالاً نمونه دارای سوگیری باشد و بیانگر تجربه زیسته کلیه افراد جامعه نباشد، اگر با افرادی که برای ازدواج به مراکز مشاوره مراجعه

نمی‌کنند گفتگو می‌شد، ممکن بود نتایج دیگری حاصل شود؛ لذا این یک محدودیت برای این پژوهش محسوب می‌شود. همچنین همه افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر دارای تحصیلات دانشگاهی بودند، لذا نمونه پژوهش حاضر معرف کل جامعه و افراد با تحصیلات غیردانشگاهی و پایین‌تر نیست. همچنین، می‌توان گفت اگرچه ما با استفاده از رویکرد کیفی برخی از مؤلفه‌های اثرگذار بر ملاک‌های همسرگزینی را از دنیای پدیداری انسان‌ها شناسایی کرده‌ایم، اما همه ملاک‌های همسرگزینی از حوزه آگاهی فرد نشئت نمی‌گیرند بلکه گاهی حاصل ناخودآگاه افراد می‌باشند. بر اساس نظریه ایماگو تراپی^۱، انتخاب همسر تنها یک فرآیند آگاهانه نبوده، بلکه بخش مهمی از آن ناخودآگاه و مربوط به مسائل دوران کودکی و نوع روابط با مراقبان اولیه است؛ به گونه‌ای که افراد گاهی همسری را انتخاب می‌کنند که مشابه مراقبان (والدین) یا دیگر افراد مهم دوران رشدشان باشد تا بدین صورت تجارب مثبت و منفی دوران کودکی خود را بازآفرینی کرده و مسائل روانی ناتمام دوران کودکی خود را تکمیل کنند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ لاو و شولکین^۲، ۲۰۰۱). به علاوه، بر اساس نظریه سرمایه‌گذاری والدینی، مسائل تکاملی در چگونگی انتخاب همسر نقش دارند. بر این اساس، تفاوت‌های بین زنان و مردان در ملاک‌های انتخاب همسر، از جمله تأکید زنان بر توانایی مالی مردان و تأکید مردان بر جذابیت بدنی همسر، از نقش‌های متفاوت والدینی ناشی می‌شود، زیرا زن و مرد هر دو به دنبال انتخاب همسری هستند که باعث افزایش موفقیت آن‌ها در فرزندآوری شود (فیزمن و همکاران^۳، ۲۰۰۶؛ گوستاوسون و همکاران^۴، ۲۰۰۸؛ روسو و بنسیس^۵، ۲۰۰۷)؛ بنابراین، پدیده همسرگزینی دارای پیچیدگی‌ها و عوامل متعددی است که در اقدامات تحقیقاتی و مشاوره‌ای در آینده می‌بایست این مسائل را با توجه ویژه مدنظر قرار داد. پیشنهاد می‌شود مطالعاتی به‌منظور تبیین و بررسی عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و فردی که شاکله باورها، ارزش‌های شخصی و سبک زندگی می‌باشند و بر شکل‌گیری ملاک‌های افراد برای انتخاب همسر اثر می‌گذارند در سایر نقاط کشور با بافت‌های فرهنگی متنوع انجام گیرد. به علاوه پیشنهاد می‌شود در آموزش‌ها و مشاوره‌های پیش

1. Imago therapy
2. Love & Shulkin
3. Fisman et al
4. Gustavsson et al
5. Rusu & Bencic

از ازدواج به عوامل شناسایی شده مؤثر بر شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر در پژوهش حاضر توجه ویژه شود تا جوانان در شرف ازدواج با آگاهی بیشتری نسبت به تعیین ملاک‌های همسرگزینی اقدام نمایند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله نویسندگان مراتب سپاس و قدردانی خود را از کلیه همکاران، مساعدت‌کنندگان و مشارکت‌کنندگان در اجرای این پژوهش ابراز می‌دارند.

فهرست منابع

- اُلسون، متیو اچ و هرگنهان، بی. آر. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری* (ترجمه علی اکبر سیف). تهران: دوران.
- اُلسون، دیوید. اچ. ال؛ دفرین، جان و اولسون، ایمی. کی. (۱۳۹۷). مهارت‌های ازدواج و ارتباط زناشویی کارآمد (ترجمه احمدرضا بحیرایی و نادر فتحی). تهران: روانشناسی و هنر.
- بروجردی علوی، مهدخت و شمسی، آزاده. (۱۳۹۴). نقش ماهواره در تغییر تصور ذهنی جوانان تهرانی از ازدواج. *مطالعات راهبردی جهانی شدن*، ۱۶(۱)، ۲۸۷-۲۶۳.
- ثناپی، باقر؛ علاقه مند، ستیلا؛ فلاحتی، شهره و هومن، عباس. (۱۳۹۶). *مقیاس سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
- جان‌بزرگی، مسعود. (۱۳۹۷). مشاوره پیش از ازدواج: اصول، مبانی و راهبردهای عملی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جبرئیلی، هاشم؛ زاده‌محمدی، علی و حیدری، محمود. (۱۳۹۲). نقش ارزش‌های فرهنگی ازدواج و تفاوت‌های جنسی در انتخاب همسر. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایران*، ۹(۳۶)، ۳۷۷-۳۸۸.
- جبرئیلی، هاشم؛ زاده‌محمدی، علی؛ حیدری، محمود و حبیبی، مجتبی. (۱۳۹۳). نقش ویژگی‌های شخصیتی در ملاک‌های انتخاب همسر. *اصول بهداشت روانی*، ۱۶(۳)، ۲۴۳-۲۳۳.
- جعفریان، مجید و لبافی، سمیه. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی انتخاب همسر در شهر اصفهان: یک مطالعه کیفی. *زن و مطالعات خانواده*، ۱۱(۴۲)، ۸۹-۷۱.
- حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۹۷). *روانشناسی خانواده، عشق، ازدواج، مدیریت خانواده*. تهران: ساوالان.
- خجسته مهر، رضا؛ دانیالی، زینب و شیرالی‌نیا، خدیجه. (۱۳۹۴). تجارب دانشجویان متأهل از آمادگی ازدواج: یک پژوهش کیفی. *روانشناسی خانواده*، ۲(۲)، ۵۰-۳۹.
- خدابخشی‌کولایی، آناهیتا؛ فلسفی‌نژاد، محمدرضا و صبوری، زهره. (۱۳۹۸). بررسی میزان و مؤلفه‌های طلاق عاطفی در پرستاران متأهل بیمارستان‌های شهر تهران. *پژوهش توان‌بخشی در پرستاری*، ۵(۳)، ۴۶-۴۰.
- خدابخشی‌کولایی، آناهیتا؛ فلسفی‌نژاد، محمدرضا و عموقلی میرآخوری، زهرا. (۱۳۹۹). ازدواج و انتخاب همسر در دختران کم‌بینا و نابینا: یک مطالعه پدیدارشناسی. *پژوهش توان‌بخشی در پرستاری*، ۶(۳)، ۵۸-۵۱.
- داودی، زهرا؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ احمدی، احمد و جزایری، رضوان‌السادات. (۱۳۹۸). امنیت خانواده در سایه تعدیل قدرت‌طلبی بیمارگونه در زوج‌ها. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸(۷۰)، ۱۶۰-۱۳۰.
- ربیعی، علی؛ عبداللهی، عظیمه‌السادات و شیروی خوزانی، یاسر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه تماشای تلویزیون‌های ماهواره‌ای با هویت جنسیتی دختران نوجوان شهر اصفهان. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۳(۳)، ۹۹-۱۲۸.

- سازمان ثبت‌احوال کشور. (۱۳۹۸). آمار ازدواج و طلاق. برگرفته از <https://www.sabteahval.ir>
- سلیمانی، علی؛ رسول‌زاده طباطبایی، سید کاظم؛ دباغی، پرویز؛ آزادفلاح، پرویز و تقوا، ارسیا. (۱۳۹۴). تعیین اثربخشی زوج‌درمانگری ایماگوتراپی در کاهش علائم سوء‌مصرف مواد و کنترل تکانه در مردان وابسته به مت‌آفتامین. *ابن‌سینا*، ۱۷(۱)، ۳۹-۴۴.
- شهرابی فراهانی، لیلا؛ فاتحی‌زاده، مریم و اعتمادی، عذرا. (۱۳۹۸). کشف نگرش‌های انتخاب همسر در دختران در آستانه ازدواج: تحقیق کیفی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸(۶۹)، ۱۶۲-۱۳۳.
- شهرابی فراهانی، لیلا؛ فاتحی‌زاده، مریم و اعتمادی، عذرا. (۱۳۹۸). ملاک‌های انتخاب همسر در معلمان دختر در آستانه ازدواج (پژوهش کیفی). *خانواده و پژوهش*، ۱۷(۳)، ۸۷-۶۷.
- صنعتی شرقی، نادر و رستم‌زاده، ملیحه. (۱۳۹۵). مطالعه به روش رویش نظری درباره معیارهای همسرگزینی. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۳۹(۱۰)، ۵۴-۳۱.
- ضرابی، وحید و مصطفوی، فرخ. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران: یک رویکرد اقتصادی. *پژوهش‌های اقتصادی*، ۱۱(۴)، ۶۴-۳۳.
- غروی، عماد. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مرتبط با معیارهای همسرگزینی در میان دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان پسر دانشگاه شیراز)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ایران.
- فاتحی، حمیدرضا؛ ثقفی، سید محمد و امیرمظاهری، امیرمسعود. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی قواعد همسرگزینی در سیره معصومین (ع). *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۹(۲)، ۱۲۵-۹۳.
- فولادی، محمد. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج با تأکید بر عوامل فرهنگی. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۵(۴)، ۱۰۴-۷۷.
- گودرزی، محمود. (۱۳۹۸). پیش‌بینی میزان احتمال پیمان‌شکنی در روابط زناشویی بر اساس سطح تمایزافتگی، عملکرد خانواده و دل‌زدگی زناشویی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸(۷۱)، ۹۹-۸۰.
- مهدی‌زاده، سید محمد. (۱۳۹۶). *نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*. تهران: همشهری.
- مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز و داودی، ایران. (۱۳۸۵). ملاک‌های همسرگزینی از نظر دانشجویان مجرد دانشگاه شهید چمران اهواز. *پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، ۲(۲)، ۴۴-۲۳.
- نظری، علی محمد. (۱۳۹۸). *مبانی زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی*. تهران: علم.
- نیازی، محسن؛ شاطریان، محسن و شفائی‌مقدم، الهام. (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۶(۲)، ۹۱-۶۷.
- هاشمی‌نژاد، سیده سمیه؛ فقیهی، علی؛ حسینی، سید حمزه و سخایی، سید محمود. (۱۳۹۳). همسان‌همسری از دیدگاه روانشناسی و مقایسه آن با مفهوم کفویت در فقه اسلام و سلامت، ۱(۳)، ۶۰-۵۰.
- یعقوبی‌دوست، محمود؛ شاهون‌وند، بهروز؛ جولا، غلامرضا و مرادی، عزیزعلی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه رسانه‌های دیداری و سبک زندگی. *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۶(۱۸)، ۱۶۷-۱۹۸.

یعقوبی‌راد، فرزانه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه میان شیوه‌های فرزندپروری والدین و میزان اضطراب دانش‌آموزان. *خانواده و پژوهش*، ۱۱(۱)، ۱۱۱-۱۲۸.

- Alavi, M., Alahdad, R., & Shafeq, S. M. (2014). Mate selection criteria among postgraduate students in Malaysia. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 116, 5075-5080.
- Blair, S. L., & Madigan, T. J. (2019). Dating, Marriage, and Parental Approval: An Examination of Young Adults in China. *Social Science Quarterly*, 100(6), 2351-2368.
- Boyce, C. J., Wood, A. M., & Ferguson, E. (2016). For better or for worse: The moderating effects of personality on the marriage life satisfaction link. *Personality and Individual Differences*, 97, 61-66.
- Escorial, S., & MartínBuro, C. (2012). The role of personality and intelligence in assortative mating. *The Spanish journal of psychology*, 15(2), 680-687.
- Figueredo, A. J., Sefcek, J. A., & Jones, D. N. (2006). The ideal romantic partner personality. *Personality and Individual Differences*, 41(3), 431-441.
- Fisman, R., Iyengar, S. S., Kamenica, E., & Simonson, I. (2006). Gender differences in mate selection: Evidence from a speed dating experiment. *The Quarterly Journal of Economics*, 121(2), 673-697.
- Greitemeyer, T. (2007). What do men and women want in a partner? Are educated partners always more desirable?. *Journal of Experimental Social Psychology*, 43(2), 180-194.
- Grover, S., & Helliwell, J. F. (2019). How's life at home? New evidence on marriage and the set point for happiness. *Journal of Happiness Studies*, 20(2), 373-390.
- Gustavsson, L., Johnsson, J. I., & Uller, T. (2008). Mixed support for sexual selection theories of mate preferences in the Swedish population. *Evolutionary Psychology*, 6(4), 575-585.
- Kalmijn, M. (2017). The ambiguous link between marriage and health: A dynamic reanalysis of loss and gain effects. *Social Forces*, 95(4), 1607-1636.
- Love, P., & Shulkin, S. (2001). Imago theory and the psychology of attraction. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 9(3), 246-249.
- Maliki, A. E. (2009). Determinants of Mate selection choice among University Students in SouthSouth Zone of Nigeria. *Edo Journal of Counselling*, 2(2), 165-174.
- Nongkynrih, A. K. (2016). Mate selection: A sociological exploration. *Journal of the Anthropological Survey of India*, 65(1), 1-14.
- Prakash, R., & Singh, A. (2014). Who marries whom? Changing mate selection preferences in urban India and emerging implications on social institutions. *Population Research and Policy Review*, 33(2), 205-227.
- Rusu, A. S., & Bencic, A. (2007). Choosing a mate in Romania: A cognitive evolutionary psychological investigation of personal advertisements market. *Journal of Cognitive & Behavioral Psychotherapies*, 7(1), 27-43.
- Schwarz, S., & Hassebrauck, M. (2012). Sex and age differences in mateselection preferences. *Human Nature*, 23(4), 447-466.
- Tashan, S. T., Caliskan, Z., Nacar, G., & Ergin, I. O. (2017). The impact of gender on spouse preference in university students. *Medicine*, 6(3), 436-441.

